

جستاری نو در اسطوره‌های شعر دفاع مقدس (بررسی کارکرد اسطوره‌ها در تبیین هویت ملی)

حمزه محمدی ده‌چشمه *۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان

اسماعیل صادقی ۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۳۰)

صفحات ۹۹-۱۱۸

چکیده

جنگ تحمیلی به‌عنوان یکی از رخداد‌های عظیم تاریخ معاصر ایران، حوزه‌های متفاوت زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. ادبیات - به‌ویژه شعر - نیز به‌عنوان یکی از حوزه‌های تفکر و اندیشه ایرانی، تحولی عمیق را شاهد بود. شاعران ایرانی با آغاز جنگ تحمیلی، تلاش کردند با استفاده از اسطوره‌های تاریخی ملی و دینی و طرح شخصیت‌های حماسی در شعر خود، بر نقش هویت‌سازی آنها تأکید نمایند. استفاده از اسطوره‌ها در سروده‌های دفاع مقدس، نشان می‌دهد که ایرانیان هنوز هم پیوندهای فرهنگی خود را با عناصر هویت‌بخش تاریخ و فرهنگ کشورشان حفظ کرده‌اند و از این نمادها و اسطوره‌ها، در بازیابی هویت خویش استفاده می‌کنند. کارکرد اسطوره‌ها در شعر جنگ، بیشتر نقش ایجاد انگیزه دارد و در این راه نیز از شیوه‌های تحریک‌انگیزه و احساس استفاده می‌شود. بنابراین، پژوهش حاضر با بررسی آثار شاعرانی چون قیصر امین‌پور، حسین اسرافیلی، حمید سبزواری، محمدعلی مردانی و نصرالله مردانی کارکردها و نقش اسطوره‌ها را در تبیین هویت، به‌ویژه هویت ملی مورد بررسی قرار داده است تا بیان نماید قهرمانان اسطوره‌ای رویدادهای حماسی، معمولاً ابرمردانی نامجو هستند که برای کسب افتخار و حفظ کیان و استقلال ملت خود می‌کوشند و نبرد می‌کنند.

کلمات کلیدی: دفاع مقدس، شعر، اسطوره، هویت ملی.

۱. * نویسنده مسئول: hamzehm661@gmail.com

۲. esmasadeghi57@gmail.com

۱. مقدمه

رویکرد اسطوره‌ای در شعر دفاع مقدس در ادبیات معاصر ما جایگاه ویژه‌ای دارد. این اشعار با استفاده از بُن‌مایه‌های اسطوره‌ای و بیان نمادین به بازآفرینی اسطوره‌ها می‌پردازند؛ زیرا هنگامی که یک سرزمین مورد هجوم بیگانگان قرار می‌گیرد، نیاز به قهرمان‌سازی و قهرمان‌پروری در میان مردم احساس می‌شود. از این جهت شاعران با بازآفرینی اسطوره‌های تاریخی، ملی و دینی به پایداری روحیه دفاعی ملت می‌پردازند. شعر دفاع مقدس در ذات و اصالت خود، دارای کارکردهای اسطوره‌ای است. این کارکردها به لحاظ ماهیت، ماندگار و پایدار بوده و از ویژگی‌های «فرامگانی» و «فرازمانی» برخوردارند. منظور از این کارکردها، بیان مصادیق اسطوره‌ای است که به شعر دفاع مقدس هویت بخشیده و آن را با ارکان آفرینش اسطوره‌ای هماهنگ می‌سازد. شاعران دفاع مقدس با بهره‌مندی از این اسطوره‌ها، بن‌مایه‌های فکری و فرهنگی آیین‌های کهن اندیشه ایرانیان را بازسازی می‌کنند. به عبارت دیگر، با استفاده از اسطوره‌های تاریخی و دینی ایرانی و طرح شخصیت‌ها و قهرمانان ملی و دینی سعی دارند، غرور ایرانی را زنده کرده تا با تکیه بر ارزش‌های دینی و ملی، روح دفاع از فرهنگ و هویت ایرانی را بیدار نمایند (لک، ۱۳۸۴: ۲۳۲). در دوران جنگ تحمیلی، به منظور تقویت روحیه رزمندگان و آماده‌سازی آنان برای نبرد در مقابل دشمن، به قهرمان‌پروری و توصیف دل‌آوری‌ها و شجاعت‌های آنان نیاز بود. بنابراین، شاعران با رویکرد تاریخی به اسطوره‌های ملی، دینی و حماسی رجوع کرده و بدین شیوه به قهرمان‌پروری پرداختند تا به کمک آن بتوانند رفتارهای قهرمانانه و شجاعانه را از رزمندگان طلب کنند. به عبارت دیگر، شخصیت‌سازی و قهرمان‌پردازی و ذکر حوادث و وقایع تاریخی، شیوه‌ای است که در شعر جنگ و دفاع مقدس، پاسخی عینی و خردمندانه به نیازهای فرهنگی جامعه است. یکی از دلایل احساس نیاز به قهرمان‌پردازی در شعر جنگ، نابرابری موجود میان نیروهای رزمنده ایرانی و مهاجمان تائب دندان مسلح عراق بود. بر این اساس، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیل محتوا به بررسی و تبیین کارکرد اسطوره‌ها در شعر جنگ پرداخته است تا نقش این اساطیر را در تحکیم مبانی هویت ملی، بیش از پیش آشکار نماید.

۱-۱. هدف و بیان مسأله

با توجه به گستردگی کاربرد عناصر اسطوره‌ای در شعر شاعران دفاع مقدس سعی گردیده آن دسته از عناصر اسطوره‌ای که بیشترین کاربرد را در شعر این شاعران داشته، انتخاب گردد؛ از سویی دیگر در این پژوهش عناصری باید انتخاب می‌گردید که در پیوند با کارکرد هویت‌بخشی باشند. به عبارت دیگر، ما به دنبال تبیین کارکرد بخشی عناصر اسطوره‌ای در شعر شاعران پایداری بوده‌ایم. بر همین مبنا، آثاری که عناصر اسطوره‌ای در آنها بررسی شده، عبارت است از: مجموعه شعرهای چند تن از شاعران با مضامینی در ارتباط با جنگ که در این دوره سروده شده‌اند؛ مانند مجموعه شعر جنگ، برگزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت، مجموعه شهیدان شاعر، مجموعه شعر خون‌نامه خاک. و اشعار مورد بحث شاعرانی مانند: قیصر امین‌پور، نصرالله مردانی، محمدعلی مردانی، حمید سبزواری و حسین اسرافیلی.

۱-۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

اسطوره‌ها در طول تاریخ تغییر می‌یابند تا بتوانند به نیازهای هویتی جامعه پاسخ دهند؛ بنابراین، بشر همیشه و متناسب با زمان

خود به اسطوره‌سازی پرداخته است. استفاده از اسطوره‌ها در سروده‌های دفاع مقدّس نشان می‌دهد که ایرانیان هنوز هم پیوندهای فرهنگی خود را با عناصر هویت‌بخش تاریخ و فرهنگ کشورشان حفظ کرده‌اند و از این نمادها و ساختارهای تاریخی در بازیابی هویت خویش استفاده می‌کنند. هدف از پژوهش پیش‌رو، تبیین هدفمند کاربرد شخصیت‌های اسطوره-ای در شعر دفاع مقدّس است تا از طریق آن کارکردهای ویژه و نقش اسطوره در هویت بخشی جمعی ایرانیان و نیز نقش اسطوره‌های ملی در شعر جنگ و در تفهیم مطالب و ارزش‌ها مشخص گردد.

۱-۳. پیشینه تحقیق

در کتاب «بیش اساطیری در شعر معاصر» از رشیدیان به بررسی کوتاهی از حضور اسطوره در شعر نیما، اخوان، شاملو و ... با دیدگاهی دگردیسی شده، پرداخته شده است. در مورد اسطوره در شعر پایداری نیز تاکنون مقالات و پایان‌نامه‌های زیر چاپ شده‌اند:

داوودی مقدّم و جهانگیری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل اساطیر حماسی شاهنامه در ادبیات پایداری معاصر»، اسطوره‌های حماسی شاهنامه فردوسی را در آثار سه تن از شاعران پایداری معاصر، نصرالله مردانی، قیصر امین پور و علیرضا قزوه بررسی نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که امین پور بیشتر از نماد و قزوه بیشتر از کهن الگوهای مذهبی استفاده کرده است. میرزایی مطلق و حقیگو کرماند (۱۳۹۵) در مقاله «تجلی اسطوره در شعر دفاع مقدّس با تأکید بر آثار قیصر امین پور و علی معلّم» ضمن تعریف واژه‌ها و اصطلاحات اسطوره‌ای، به بیان و معرفی اسطوره‌های به کار گرفته شده در شعر این دو شاعر همراه با شواهد شعری پرداخته است.

حسینی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بازتاب اسطوره‌های ملی و دینی در شعر سلمان هراتی و سیدحسن حسینی» را به ثبت رسانده و مهمترین اسطوره‌های ملی و مذهبی را در شعر هراتی و حسینی بررسی نموده است. قربانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «نمادهای اسطوره‌ای ملی و دینی در شعر دفاع مقدّس» به مهمترین نمادهای اسطوره‌ای در شعر مقاومت اشاره نموده است. فطرس (۱۳۸۸) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی اسطوره در شعر دفاع مقدّس»، به بررسی اسطوره‌ها در شعر ۱۵ تن از شاعران جنگ؛ (زکریا اخلاقی، حسین اسرافیلی، رضا اسماعیلی، قیصر امین پور، عباس براتی‌پور، سید حسن حسینی، حمید سبزواری، محمدحسین شهریار، علیرضا قزوه، مشفق کاشانی، عبدالجبار کاکایی، علی موسوی گرمارودی، نصرالله مردانی، علی معلّم و سلمان هراتی) پرداخته است.

همان‌طور که ملاحظه گردید در شعر دفاع مقدّس نیز در میان نقدهای مختلف به حضور اسطوره در شعر شاعران مقاومت پرداخته شده، اما تاکنون اثری مستقل که به بررسی و تبیین کارکردهای اسطوره در شعر جنگ بپردازد، تألیف نشده است.

۱-۴. سؤالات و روش تحقیق

در این مقاله پس از مطالعه آثار در زمینه اسطوره، مجموعه سروده‌های مربوط به دفاع مقدّس، شناسایی و از میان آن‌ها اشعاری که به نوعی اسطوره‌های ملی هویت‌بخش را مطرح ساخته‌اند، استخراج گردیده تا با استفاده از روش توصیفی و تحلیل محتوا به سؤالات زیر پاسخی مناسب ارائه شود:

۱. اسطوره‌ها در شعر دفاع مقدّس چه نقش‌ها و کارکردی دارند؟

۲. شاعران دفاع مقدس برای تبیین هویت ملی در شعر خود از چه عناصر اسطوره‌ای بهره گرفته‌اند؟

۲. شعر دفاع مقدس

پیشینه و پشتوانه بیش از هزار ساله شعر فارسی، سرمایه عظیمی برای شاعران عصر انقلاب و دفاع مقدس است؛ پشتوانه‌ای که دیگر انواع و گونه‌های ادبی از آن بی‌بهره یا کم بهره‌اند. همین است که شعر، تکیه‌گاه اصلی طرح اندیشه‌ها و آرمان‌ها و عواطف این دوره است. نخستین سروده‌های دفاع مقدس اندکی پس از شروع جنگ تحمیلی چهره نشان می‌دهند. «نخستین سروده‌های دفاع مقدس عمدتاً در قالب نیمایی و با زبانی روایی و نسبتاً بلند، تصویری از رشادت و ایثار مردم را بازگو می‌کنند. انتخاب قالب و ساختار نیمایی که در شعر شش ماهه اول جنگ - مهر ۱۳۵۹ تا آغاز سال ۱۳۶۰- دیده می‌شود، گذشته از مبتدی بودن شاعران نوآمد، به این سبب است که هم مجال بیشتر برای شعار دادن و برانگیزاندن باشد و هم رها از محدودیت‌های قافیه و تساوی مصراع‌ها بتوان به طرح مسائل و موضوعات پرداخت» (سنگری، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۹). واقعیت آن است که با شروع جنگ تحمیلی و ورود ما به دفاع مقدس، توجه به شعر باعث شد تا شعرای انقلاب اسلامی برای درک شور و شعور دفاع مقدس، راه جبهه و فضا و فرهنگ آن را در پیش گیرند و بدین ترتیب، شعر به عنوان بخشی ایمان‌آور و توان‌بخش از دفاع مقدس به ثبت رسید؛ فرقی هم نمی‌کرد که چه قالبی داشته باشد. قیصر امین‌پور از اولین شاعران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس «شعری برای جنگ» گفت:

می‌خواستیم / شعری برای جنگ بگویم / دیدم نمی‌شود / دیگر قلم، زبان دلم نیست / گفتم: / باید زمین گذاشت قلم‌ها را / دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست / باید... (امین‌پور، ۱۳۸۱: ۲۸).

با این حال، اقتضای طبیعی جنگ آن بود که بخشی از شعر دفاع مقدس برای همگامی با فراز و فرودهای پُرالتهاب آن دوره و آفرینش شور لازم، رویکرد به شعار و رجز پیدا کند. بدین ترتیب، در سال‌های نخست جنگ و دفاع مقدس شاعران سعی می‌کردند با سرودن شعرهای حماسی، مشوق اقشار مردم برای حضور در صحنه رزم باشند.

سمند صاعقه زین کن سواره باید رفت
شهید زنده تاریخ عشق می‌گوید
گذشت کشتی خورشید از جزیره موج
به عرش شعله سحر با ستاره باید رفت
به دار سرخ اناالحق دوباره باید رفت
به غرقه‌گاه خطر زین کناره باید رفت ...
(مردانی، ۱۳۷۰ الف: ۵)

به تدریج شعرا از کهن‌الگوها در شعرشان استفاده می‌کنند. زکریا اخلاقی به شهید نگاهی اسطوره‌ای بر اساس کهن‌الگوهای دینی دارد.

صحنه حادثه سرشار ز بوی تن او
وقتی از مصر بلا پیرهنش آوردند
(اخلاقی، ۱۳۷۲: ۴۲)

«طرح الگوها و نمادهای تاریخی از اصلی‌ترین زمینه‌های تفکر در شعر دفاع مقدس است» (صنعتی، ۱۳۸۹: ۴۵). عاشورا از الگوهای اصلی دفاع مقدس است و تلفیق آن با فرهنگ جبهه، گواه این دو فرهنگ و نبرد است.

باز سرها به نیزه می‌خواهند
هان! مبادا حسین بار دگر
خولیان در پناه جوشن‌ها
در مصاف یزیدیان تنها
(اسرافیلی، ۱۳۷۸: ۷۳)

تاریخ جنگ تحمیلی، بخش عمده‌ای از تاریخ انقلاب اسلامی است و فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس نیز بخش مهمی از فرهنگ شعری ما را تشکیل می‌دهد. شعر دفاع مقدس، زیرمجموعه ادبیات پایداری است و در پی آن است تا گستره

فداکاری های بزرگ مردم مسلمان ایران را برای دفاع از دین و وطن خود نشان دهد. پایداری مردم ایران برخاسته از ارزش‌های اعتقادی آنان است و شعر دفاع مقدّس انعکاس این ارزش‌هاست. «درباره سابقه شعر جنگ باید گفت به جز شاهنامه که بخش اصلی رزم‌های آن به حوزه اساطیر تعلّق دارد و نمونه‌هایی که به تقلید از شاهنامه سروده شده‌اند، الگویی ارزشمند از شعر جنگ وجود ندارد تا سرمشق معاصران قرار گیرد» (حسینی، ۱۳۸۱: ۹).

شعر جنگ در ایران در دو دوره شکل گرفته است: دوره نخست شامل سروده‌هایی است که با شروع جنگ و آغاز تجاوز دشمن، شکل می‌گیرد و تا روز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ادامه می‌یابد. بیشتر شعرهای این دوره رنگ و بوی شعار دارند و به دلیل جنبه روایی و لحن گزارش‌گونه آنها، تخیل و عاطفه در آنها چندان دیده نمی‌شود و استفاده از صنایع لفظی، معنوی و آرایه‌های ادبی در آن کمتر دیده می‌شود. واژه‌های معمول اینگونه اشعار، خون، شهید، لاله، گل، بهشت و ... است. دوره دوم، حاوی اشعاری است که بعد از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ، شکل می‌گیرد. در این دوره جامعه به سوی آرامشی نسبی حرکت می‌کند و اندک‌اندک از فضای جنگ دور می‌شود. یکی از دل‌مشغولی‌های شاعران این دوره، مردان جنگی هستند که اینک به انزوا کشانده شده‌اند. این وضعیت، اعتراض مردان جنگ را برانگیخت و اعتراض را در شعرهای این دوره وارد کرد. برخی از شاعران این دوره، در پی تحلیل و توضیح واقعیت‌های اجتماعی برمی‌آیند. «از بُعد فرهنگی، شعر دفاع مقدّس در این روزگار، به دلیل ویژگی‌های خاصی که نسبت به سایر مقوله‌های فرهنگی و هنری دارد، بیشترین حضور، گستردگی، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری و هم‌دلی را با لحظه‌های پرنشیب و فراز دفاع مقدّس داشته و محمل و مرجع مناسبی را برای آیندگان که تحقیق پیرامون شکل‌گیری فرهنگ دفاع را دنبال می‌کنند، فراهم نموده است» (لک، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

۲-۱. هویت ملی در شعر دفاع مقدّس

ایران نیز مانند کشورهای دیگر که مسأله تجاوز به آب و خاک خود را تجربه کرده‌اند، در هشت سال دفاع مقدّس تجربیات زیادی را کسب کرده و مضامین گوناگونی را در اختیار شاعران قرار داده است؛ از جمله مضامین اشعار دفاع مقدّس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دعوت به مبارزه و تشویق به دفاع از سرزمین اسلامی؛ استفاده از فرهنگ تشیع و نمادهای دینی مانند: عاشورا، کربلا، شهید، حضرت امام حسین (ع) و امام علی (ع)؛ رجزخوانی و تقویت روحیه قهرمانی و تحقیر دشمن؛ تکریم شهیدان؛ ایجاد روحیه حماسی و استفاده از ویژگی‌های حماسی؛ تکریم از سربازان و مدافعان میهن و ... «نظر به اینکه جنگ اصولاً مقوله‌ای حماسی و خشونت‌بار است، لحن این‌گونه اشعار نیز بیشتر حماسی است و هدف نهایی این‌گونه اشعار، پیروزی بر مهاجمان است. احساس یأس و ناامیدی در شعر دفاع مقدّس وجود ندارد یا بسیار کم است و همیشه وعده پیروزی نهایی در آن داده می‌شود» (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۰-۱۹).

ای سواران سحر، گردان نام‌آور به پیش
آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش
پیروان راستی فاتح خیبر به پیش
(مردانی، ۱۳۷۰: ۴۴)

ای ظفرمندان، ظفرمندان در سنگر به پیش
جنگجویان دلاور، پیش‌تازان دلیر
با سلاح کاری الله و اکبر می‌روید

«تکیه بر حفظ کیان ایران زمین»، «دفاع از اقتدار ملی» و «وحدت بین اقوام مختلف و نکوهش تفرقه» از موضوعات دیگری

است که در شعر دفاع مقدس به مقوله هویت ملی می‌پردازد. در این مورد، «شاعران رمز جاودانگی ایران را در حاکمیت اسلامی می‌دانند. اقوام مختلف ایرانی، جزئی از اجزای پیکر ایران زمین معرفی شده‌اند که بدون نام ایران، هویتی ثابت نخواهند داشت» (لک، ۱۳۸۴: ۲۲). حراست از تاریخ و فرهنگ ایران زمین، موضوع دیگری است که در شعر دفاع مقدس مطرح است. شاعران در این گونه اشعار، با استفاده از عناصر تاریخی و اسطوره‌ای و شرح دل‌آوری‌ها و قهرمانی‌های پهلوانان و اشخاص تاریخی، ملی و دینی به طرح موضوع دفاع گسترده ایرانیان در طول تاریخ پرداخته‌اند. «تاریخ‌گرایی، قوی‌ترین عنصر اشعار دفاع مقدس است که در عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین لایه‌های ضمیر ناخودآگاه جامعه نفوذ می‌کند و وجدان مقدس تاریخی ملت را بیدار کرده و به دفاع از داشته‌های دینی و ملی خود فرامی‌خواند» (سنگری، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

دین در کشور ما از مهمترین عوامل ایجاد اقتدار در جامعه است؛ به همین سبب دفاع از اسلام، دفاع از هویت ملی نیز خواهد بود. مضامین مذهبی در آثار شاعران دفاع مقدس به مفاهیمی همچون نمادهای فرهنگ شیعه از قبیل: عاشورا، شهید، ایشار، بهشت و ... خلاصه می‌شود. این اشعار سرشار از مایه‌های اعتقادی و باورهای اسلامی است. «تمامی شعارها و سرودهایی که در جبهه جنگ برای تقویت روحیه رزمندگان استفاده می‌شد، برگرفته از مضامین مقدس دینی و آرمان‌های ملی بود. این امر، مقاومت در برابر دشمن خارجی را سامان داد و سبب حفظ تمامیت ارضی این سرزمین شد.» (لک، ۱۳۸۴: ۱۲۷) بنابراین، شعر دفاع مقدس سبب آشتی بین ملت و مذهب شد. وجود باورهای دینی و دفاع از آب و خاک وطن در کنار هم، در شعر دفاع مقدس ایجاد شد و به تحکیم مبانی هویت و باورهای مذهبی انجامید. «شعر دفاع مقدس برگرفته از دو واژه «دفاع» و «مقدس» است: «دفاع»؛ ناظر بر جنبه ملی و «مقدس»؛ ناظر بر جنبه دینی هویت ایرانیان بوده و بر روی هم در افزایش سلحشوری در میان رزمندگان و مقاومت کردن نقش به‌سزایی را ایفا کرد» (سنگری، ۱۳۸۹: ۸۵). اقلیت‌های دینی ایران نیز در دفاع از ایران اسلامی، دوشادوش برادران مسلمان خود در صحنه‌های جنگ درخشیدند و با خون پاکشان در پاسداری از عزت و شرف مردم کشورمان سنگ تمام گذاشتند. شعر «بوی بهشت» از زهرا پناهی نشان دهنده استفاده از مفاهیم دینی برای دفاع از هویت ملی ایرانی است.

وقتی که باز می‌شود از گردن شهید
نَبض صدای فاطمه را می‌شود شنید
تا مرز عشق و عاشقی و تا جنون رسید
با خون خود ز حضرت عزوجل خرید
(www.defaemoghaddas.com)

بوی بهشت می‌دهد آن چفیه سفید
از بین حرف‌های پر از رمز و راز او
وقتی نظر به خاک وطن کرد اجنبی
حتی بهشت و روزی بس جاودانه را

بزرگداشت و تکریم شهیدان میهن که جان خویش را در راه پاسداری از دین و کشور خود فدا کردند نیز از مضامین دیگر شعر دفاع مقدس است. سیمین بهبهانی از جمله شاعرانی است که با احساس لطیف مادرانه، نقش شهدا را برای حفظ وطن و هویت ایرانی، نقش اصلی و دیگر نقش‌ها را فرعی می‌داند. او معتقد است که ما شاعران جز سردادن آه و ناله کار دیگری نکرده‌ایم و ایران به واسطه فدا شدن جان‌های جوانان، پاینده و جاوید مانده است.

بار بر دوش آن‌هاست / آه! آری، همان‌ها:

پاک‌ها، نازنین‌ها / خوب‌ها، مهربان‌ها

گرچه بودند و هستند / خسته‌ها، ناتوان‌ها

ما چه کردیم، باری / ناله‌ای، شکوه‌واری

شد وطن زنده اما / زان جوان‌ها و جان‌ها ... (بهبهانی، ۱۳۸۲: ۷۲۱)

بنابراین می‌توان گفت، موضوعی که بیشتر شاعران معاصر ایران بر روی آن اتفاق نظر دارند، موضوع سرزمین به‌عنوان مهمترین رکن هویت‌ساز است. «میزان تعلّق خاطر شاعران به سرزمین مادری نیز به‌عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های هویت ملی حائز اهمیت است» (لک، ۱۳۸۴: ۱۳۲). شاعران با معرفی کردن دشمن به‌عنوان دشمن اسلام و قرآن، دفاع از میهن را یک باور دینی قلمداد کرده و دفاع از وطن را دفاع از دین و قرآن دانستند. جان کلام اینکه طرح مباحث مربوط به هویت ایرانی در شعر دفاع مقدّس، سبب ترویج اندیشه‌های میهن‌دوستی مبتنی بر دین‌داری در میان ایرانیان شده است؛ اندیشه‌ای که موجب حفظ کیان وطن، ایجاد اقتدار، غرور و همبستگی ملی می‌شود.

۲-۲. اسطوره در شعر دفاع مقدّس

شعر معاصر فارسی در دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی به‌دلیل جریان‌اتی هم‌چون انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و پایداری مردم ایران زمین، این امکان را یافته است که با عناصر و مؤلفه‌های اسطوره‌ای همراه شود و با نگاهی جدید، اسباب تجدید حیات و باروری اسطوره را فراهم کند. اسطوره در شعر دفاع مقدّس به‌عنوان عنصری بیانی و فکری به شکلی ارزنده آشکار شده است. شاعران با برداشتی حماسی از اساطیری استفاده کرده‌اند که از نظر ارزش هنری و کیفیت کارکرد با هم متفاوت هستند. نکته ارزنده‌ای که در برخی از آثار شعر جنگ مشهود است و در جهت بیان مفاهیم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی، شاعران را یاری می‌دهد بهره‌وری از اسطوره‌ها و داستان‌های حماسی است که در شکل ظاهری و شکل ذهنی شاعر بازآفرینی شده‌اند. در این میان شاعرانی که توانسته‌اند اسطوره‌ها را با جوهر شعری آشتی دهند و در یک جوشش فکری و هنری آن دو را با هم درآمیزند، موفق بوده‌اند. توجه به اسطوره‌های دینی و ملی از هنگامی که اندیشه در ذهن بشر شکل گرفته است، در آثار به‌جای مانده دیده می‌شود. بی‌گمان شعرا و نویسندگان بیشتر از سایر هنرمندان به این موارد دقت داشته‌اند و از آنها در آثار خود استفاده کرده‌اند. رویکرد اسطوره‌ای در شعر دفاع مقدّس در ادبیات معاصر ما جایگاه ویژه‌ای دارد. این اشعار با استفاده از بُن‌مایه‌های اسطوره‌ای و بیان نمادین به بازآفرینی اسطوره‌ها می‌پردازند؛ زیرا هنگامی که یک سرزمین مورد هجوم بیگانگان قرار می‌گیرد، نیاز به قهرمان‌سازی و قهرمان‌پروری در میان مردم احساس می‌شود. از این جهت شاعران با بازآفرینی اسطوره‌های ملی و دینی به پایداری روحیه دفاع ملت می‌پردازند. «به کارگیری اسطوره‌های ملی و دینی در شعر دفاع مقدّس از طریق شکل‌دهی و هدفمند کردن اندیشه و باورهای دفاعی، در ایجاد وحدت ملی میان مردم ایران و حفظ تمامیت ارضی کشور نقشی مؤثر ایفا کرده است» (لک، ۱۳۸۴: ب ۶۶).

۲-۲-۱. کارکرد هویت‌بخشی اساطیر در شعر دفاع مقدّس

در دوره‌ای که ایران از سوی مجامع بین‌المللی با تحریم‌های شدید سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی و ... مواجه بود و همه‌گونه حمایتی از دشمن بعثی به عمل می‌آمد، این نابرابری تسلیحاتی، ایرانیان را وامیداشت تا به تقویت روحیه خودباوری و دینی خود پردازند و با اسطوره‌سازی و قهرمان‌پروری به این امر نایل شوند. «شعر جنگ با استفاده از مضامین اسطوره‌ای و حماسی به متن جامعه آمد و بنا به نیاز و شرایط زمانه، نقشی مؤثر را بر عهده گرفت و با بازخوانی حوادث و جریان‌ات تاریخی گذشته، از تجربیات عینی و آموخته‌های عقلانی آن استفاده کرد. به بیان دیگر، شعر جنگ با رویکردی اجتماعی به بیان عوامل و زمینه‌هایی می‌پردازد که با یادکرد مفاهیمی نظیر شجاعت، رشادت، شهامت و آزادگی، خاطره‌های ازلی را در مبانی هویت ایرانی بازگو می‌کند. اسطوره‌ها آن‌گونه که در سروده‌های جنگ تحمیلی نمود یافته‌اند، گاه مبتنی بر واقعیات

تاریخی است، گاه چهره اسطوره‌های افسانه‌ای باستان را نمایان می‌سازد و گاهی نیز از مفاهیم دینی و مذهبی مدد می‌گیرد» (همان: بر گرفته از صص ۷۰-۶۷).

وقتی بیم نابودی هویت ملّتی می‌رود، بهره‌گیری از اسطوره‌ها سدی در برابر سیل خطر است. اینکه اسطوره را مربوط به یک دوره فراتاریخی بدانیم، صحیح نیست. اسطوره‌ها هر چند روساخت افسانه‌ای دارند، زیرساخت آنها تاریخی است. اسطوره در شعر دفاع مقدّس دیگر یک افسانه نیست، بلکه تبدیل به نماد شده است. هر یک از شخصیت‌های اسطوره‌ای، نمادی از خیر و شر هستند. اسطوره‌ها در تاریخ و تحولات تاریخی بار دیگر ظهور پیدا می‌کنند. در واقع، اسطوره‌ها نه تنها افسانه نیستند، بلکه شخصیت تاریخی بالقوه هستند که هنگام ضرورت بالفعل می‌شوند. شاعر، شخصیت‌های اسطوره‌ای را از غبار تاریخ بیرون می‌کشد و هر یک از آنها را به‌عنوان یک سمبل و نماد معرفی می‌کند. هر داستان رزمی که بر محور زمینه‌هایی از پیکار و ستیزه‌جویی ساخته و پرداخته شده و قهرمان آن رودررو و تنگاتنگ در برابر خطر مرگ ایستاده است، بر جامعه ارزش‌هایی ارزانی می‌دارد که آن جامعه را باید در چارچوب آن ارزش‌ها توصیف کرد یا بازساخت (شالیان، ۱۳۷۷: ۱۵). شاعر جنگ از اسطوره‌ها برای بیداری و تهییج مخاطب بهره می‌گیرد. در دوران جنگ، حس ملی‌گرایی و حُب وطن بسیار شکوفا می‌شود.

۲-۳. حفظ و احیای هویت ملّی

شاهنامه فردوسی در یکی از حسّاس‌ترین برهه‌های تاریخ ایران به نظم درآمد، ولی «محمود پیام شاهنامه را، که تجدید عظمت و استقلال ایران به معنی جدا شدن از قلمرو خلافت و برافتادن استیلای تازیان و سرافرازی ایرانیان بود، دریافت» (ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۳۸). فردوسی با توجه به جوّ حاکم در قرن چهارم، در شاهنامه ضمن بازگو کردن رخدادهای داستان‌ها، به‌طور غیر صریح، نارضایتی خود را از وضع موجود بیان می‌کند؛ برای مثال در داستان ضحاک می‌گوید:

پراکنده شد نام دیوانگان	نهان گشت کردار فرزاتگان
نهان راستی، آشکارا گزیند	هنر خوار شد، جادویی ارجمند
به نیکی نرفتی سخن جز به راز	شده بر بدی دست دیوان دراز
(فردوسی، ۱۹۶۶: ج ۱: ۵۱)	

در دوره معاصر، زمانی که مرزهای ایران از طرف یکی از کشورهای عرب (عراق) که مسلمان بودند، مورد تجاوز قرار گرفت، «رزمندگان دلیر ایران در راستای حفظ هویت ملّی حماسه آفریدند و شاعران توانمند این دوره با رویکرد به کهن‌الگوهای اساطیری و فرهنگ گذشته ایران، این دلاوری‌ها را در اشعار خود منعکس کردند؛ زیرا در این دوره فضا برای سرودن اشعار حماسی بسیار مناسب بود. گاهی اشعار حماسی این دوره یادآور فضای حماسی شاهنامه فردوسی است؛ زیرا عناصر اساطیری و کهن‌الگوهای پهلوانان باستانی ایران در شعر شاعران آگاه این دوره دارای بسامد بالایی است. این شاعران با اشعار خود دلاورمردان جبهه‌ها را برای دفاع از میهن تهییج و ترغیب می‌کردند. همان‌گونه که فردوسی زبان گویای خرد جمعی عصر خود شد و قرن‌ها بعد در دوره معاصر، با حمله عراق به ایران و با آشفتگی خرد جمعی ایرانیان، صدای رسای شاعران در طول جنگ تحمیلی - که صدای اعتراض، دعوت و تهییج به مقابله بود - در شعر آنها بازتاب پیدا کرد. گرچه زبان و بیان مجموعه اشعار این شاعران از پاره‌ای جهات با شاهنامه متفاوت است، ولی

دارای غنای معنایی و تفکر حماسی است و بیشتر مفاهیم حماسی عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی و تهییج برای مقابله با این تجاوز و تعدّی در آنها بازتاب دارد» (واحددوست، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۷).

بر شما ای قهرمان مردان با ایمان درود

بر شما ای پیروان مکتب قرآن درود

بر شما ای مرزبانان وطن از ما سلام

بر شما ای حامیان ملت ایران درود (مردانی، ۱۳۷۶: ۱۴)

بسامد عناصر نمایانگر هویت باستانی یا همان هویت ایرانی در اشعار دفاع مقدّس در طی هشت سال، بازتابی بسیار گسترده دارد؛ زیرا تعدادی از شعرهای شاعران دوره دفاع مقدّس در طی جنگ تحمیلی، برای ایجاد وحدت و حفظ هویت ملی ایرانی، حاوی کهن‌الگوهایی چون پهلوانان اساطیری و عناصر فرهنگ گذشته ایران است. این مجموعه اشعار دربردارنده پاره‌ای از عناصر اساطیری حماسه ملی ایران شاهنامه فردوسی است و با علم بر تأثیر عامل اصلی مذهب اسلام، وجود این عناصر در این اشعار، کارکرد حماسه ملی ایران را در تهییج و حفظ وحدت و هویت ملی ایرانی بیان می‌کند. نبرد غالب، در شاهنامه فردوسی نبرد ایران و توران است، زمانی که مرزهای ایران توسط کشور توران مورد تجاوز قرار می‌گیرد و هویت ملی و تمامیت ارضی ایران بزرگ به خطر می‌افتد، رستم نماد کهن الگوی قهرمانی، کشور ایران را از دست دشمن نجات می‌دهد. نه تنها رستم، بلکه گاه نیز اسفندیار که نماد دین‌داری و دلاوری است موجب نجات ایران از تجاوز توران می‌شود. برای مثال اسفندیار با کشتن ارجاسب تورانی آبرو و حیثیت ایران را که در شاهنامه به صورت نمادین، اسارت خواهران وی به دست ارجاسب تورانی است، پاس می‌دارد؛ در دوره معاصر در طول جنگ تحمیلی، رزمندگان دلیر ایران نیز با ایمان و اعتقاد به باورهای مذهبی خود، آبرو و حیثیت ایران را با خون خود پاس داشتند و دلاوری‌های آنان در اشعار شاعران جنگ و پایداری، بازتاب پیدا کرد.

۲-۴. وطن دوستی

عشق به میهن و دفاع از آن محور شعرهای جنگ و پایداری است. در این اشعار گذشته از بُن‌مایه‌های مذهبی و عاشورایی (که از بسامد بالایی برخوردار است)، بُن‌مایه‌های حماسه ملی ایران نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم کارمایه شاعران این دوره قرار گرفته است. وقتی در دوران معاصر، شعر پاک و بی‌آلایش شاعرانی را پیش روی داریم که در طول جنگ تحمیلی، با عشق و ایمان قد برافراشتند، به یاد روزگاران گذشته، دوران باستان، دوران شکل‌گیری ملت ایران در مهاجرت‌های نژاد آریا به فلات ایران، می‌آفتیم و نیز این دوره یادآور دوره‌هایی است که این سرزمین آماج هجوم ویرانگر و خونریز دشمنان و بیگانگان شده بود؛ دلاورمردان آن روزگاران برای دفاع از هویت ملی و ایرانی خود برای پاسداری از مرزهای این سرزمین رشادت‌ها نمودند. این دلاوری‌ها در حماسه ملی ایران، شاهنامه فردوسی، به نظم درآمد و جاودانه گشت. در دوره معاصر نیز با به خطر افتادن مرزهای ایران، رزمندگان شجاع در پاس داشتن سرزمین آبا و اجدادی‌شان کوشیده‌اند و شاعران اشعار جنگ و پایداری نیز، «دفاع از کشور» را در شعر خود به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بازتاب داده‌اند: مستقیم، زمانی است که شاعر از واژه‌هایی چون «وطن»، «میهن»، «سرزمین من»، «ایران» نام می‌برد. (واحددوست، ۱۳۹۲: ۶۲-۶۱) برای مثال در شعر زیر واژه «ایران» به عنوان هویت مکانی «از کجایی» شاعر به خطر افتاده است:

تفنگ ای یاور دیرینه من

رفیق و مونس بی کینه من

تفنگ، ای بسته بر پشتم شب و روز

هلا ای شعله‌های تو، ستم‌سوز

یا تا در ره ایران بجنگیم

که ما همزاد باروت و فشنگیم... (مردانی، ۱۳۷۴: ۲۶۸).

گاهی شاعر به‌طور غیرمستقیم از میهن یاد می‌کند. مانند شعر زیر از قیصر امین‌پور:

... باید زمین گذاشت قلم‌ها را

دیگر سلاح سخن کارساز نیست

باید سلاح تیزتری برداشت

باید برای جنگ

از لوله تفنگ بخوانم

- با واژه فشنگ - (امین‌پور، ۱۳۶۲: ۷۳)

یکی از مهمترین موضوعات ادبیات پایداری، بیان سوگ‌نامه شهیدان وطن و قهرمانان عرصه جنگ و توصیف بی‌رحمی - های دشمن است. بی‌شک هر جنگ و به تبع آن مقاومت، زیان‌های مالی و جانی به همراه دارد. گرامی‌داشت و یادکرد شهیدان وطن در جبهه‌های جنگ، سنت رایج است و بازخورد مرگ قهرمانان در ادبیات به‌صورت سوگ‌نامه و سوگ - واره‌های شهیدان تجلی می‌یابد. قیصر امین‌پور در غزلی به یاد شهیدان چنین می‌سراید:

ز داغ بادل خود حرف بهتری بزنیم

سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم

(امین‌پور، ۱۳۸۹: ۴۰۶)

بیا به خانه آلاله‌ها سری بزنیم

به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم

۳. عناصر اساطیری در شعر پایداری

عناصر اساطیری در شعر پایداری به چند دسته تقسیم می‌شوند.

۳-۱. اسطوره‌های ملی

اسطوره‌های ملی اسطوره‌هایی هستند که مربوط به تاریخ ایران قبل از اسلام بوده و ریشه در اساطیر هند و آریایی دارد. این اسطوره‌ها بیشتر بیان‌کننده الگوها و انسان‌های سرمشق و ایده‌آل‌های مجسم انسانی است. مفاهیم بیشتر این اسطوره‌ها، به طرح مباحثی مانند: انسان‌های آرمانی، چگونگی خلقت و آغاز جهان، علت وجودی پدیده‌های نظام هستی و ... می‌پردازد. اغلب اسطوره‌های ملی ایران قبل از اسلام، از طریق شاهنامه فردوسی به ما رسیده است؛ این اسطوره‌ها ترکیبی از افسانه و واقعیت هستند. بخشی از اسطوره‌های ملی را اسطوره‌های حماسی تشکیل می‌دهند. «مهمترین جنبه این اسطوره‌ها طرح انسان برتر یا انسان آرمانی است و در این راه از ویژگی‌هایی مانند خرق عادت و قهرمانی بودن استفاده می‌کنند. انسان‌های

اسطوره‌های حماسی، هیچ‌گاه نمی‌توانند در چارچوب قواعد منطقی ذهن قرار گیرند و به‌نوعی ماورایی محسوب می‌شوند. از این‌رو، میان حماسه و اسطوره ارتباطی تنگاتنگ به وجود می‌آید. ارتباطی که موجب می‌شود تا حماسه از یک رویداد جنگی و درگیری فیزیکی انسان‌ها با یکدیگر یا با طبیعت به موضوعی ماورایی تبدیل شده و قابلیت تفسیر و تأویل پیدا کند. این ویژگی سبب استفاده از بیان نمادین و رمزی در اسطوره‌های حماسی می‌شود. «صفایی تبار، ۱۳۸۴: ۴۷۴». بنابراین، مهمترین ویژگی‌های شخصیت‌ها در اسطوره‌های حماسی، رویین‌تی، جنگاوری و ارتباط با ماورا و محدود نبودن در جهان است.

در دوران جنگ دشمن نه تنها به خاک، بلکه به ملیت و آرمان و تاریخ یک سرزمین هجوم می‌آورد. شاعر دفاع مقدّس با اطلاع از این موضوع و در نظر گرفتن شرایط موجود، از نام‌های اساطیری گاه به‌عنوان نماد و گاه به‌عنوان یک هویت و ملیت بهره می‌گیرد. اینکه شاعر از اسطوره‌ها بهره می‌گیرد، نشان از زنده بودن و پویایی اسطوره‌هاست. نام‌های اساطیری و تاریخی پیوندی میان افراد و اسطوره‌ها ایجاد می‌کند؛ زیرا گذشته و فرهنگ تاریخی هر قومی می‌تواند افراد را به کُل واحد بدل کند.

رخش آتش پی بگو دستان آهن دل کجاست اشکبوسی تازه دارد کارزار سرنوشت (مردانی، ۱۳۷۴: ۳۵)

اشکبوس از سرداران تورانی بود که سعی بر تصرف سرزمین ایران داشت و اگر دلاوری‌های رستم نمی‌بود، چه بسا این سرزمین به چنگ دشمن می‌افتاد. شاعر با در نظر داشتن این مطلب، از مردمان تیره رستم می‌خواهد تا در برابر دشمنی که چنین گستاخانه حمله آورده، ایستادگی کنند. در واقع اشکبوس، رخس و رستم، هر کدام به‌عنوان نماد محسوب می‌شوند. این نام‌ها شاید به ظاهر فراتاریخی بنمایند، اما معنی و مفهوم و جزء باطنی آن همان ایستادگی و دلاوری و جنگاوری است.

۳-۱- آرش کمانگیر

آرش که در ادب فارسی به آرش کمانگیر معروف است تیراندازی چیره‌دست و توانا بود که در راه آرمان و میهن خویش، جان خود را از دست داد. «آرش از قهرمانانی است که در دوره ساسانیان، بهرام چوبین خود را از آعقاب او می‌خواند. در نبردهای اسطوره‌ای و افسانه‌های تاریخی فرمانروایی پیشدادیان، در روایتی افراسیاب طبرستان را محاصره می‌کند و پس از راضی شدن به صلح، منوچهر از افراسیاب می‌خواهد که در حدّ یک تیر پرتاب از خاک ایران را به او بازگرداند؛ افراسیاب می‌پذیرد و منوچهر به یاری اسپندارمذ - امشاسپند بردباری و نگاهبان زمین - تیر و کمانی ویژه می‌سازد و آرش، پهلوان ایرانی این سهم را به عهده می‌گیرد... و شبگیر به کوه ائیریوخشوت می‌رود و تیر خود را از فراز این کوه پرتاب می‌کند. تیر، تمام روز را پرواز می‌کند و شبگیر بر دامنه کوه خوانونت در کنار جیحون بر تنه تناور گردویی می‌نشیند و مرز ایران و توران را مشخص می‌سازد. در این کار، آرش بدان‌سان که پیش از پرتاب تیر گفته است، جان خویش را در تیر می‌نهد و از کالبد او پس از پرتاب تیر نشانی نمی‌یابند» (هینلز، ۱۳۸۳: ۱۲۲-۱۲۱). در شعر دفاع مقدّس هرگاه که سخن از آرش به میان می‌آید توصیف رزمندگان، دلاوری‌ها، رشادت‌ها و غیرتمندی آنان با غیرت بازوان آرش همراه می‌شود. آن جنگجویان دلاور، کمانگیرتر از آرشانی بودند که در کشاکش با پنجه‌های مرگ، برای میهن معجزه کردند. نصرالله مردانی رزمندگان و دلاورمردان جبهه‌ها را به آرش تشبیه کرده است؛ زیرا این مردان نیز چون آرش برای حفظ این خاک و مرز و بوم، از

جان خود گذشتند:

جنگجویان دلاور، پیشنازان دلیر / آرشان فاتح این خاک پهناور، به پیش (مردانی، ۱۳۷۰: ب: ۴۴)

ایران، سرزمین کمانگیرهای نام‌آوری است که برای تفسیر ناب عشق به وطن، تیر جان در چله خشم می‌نهند و مرز نور و آزادی را می‌گسترند. «در کتاب‌هایی مانند شاهنامه ثعالبی تیر آرش را به گونه‌ای خاص توصیف کرده‌اند؛ مانند اینکه آرش در عین پیری و آخر عمر بود و گویی تنها برای پرتاب آن تیر باقی مانده بود. پس از پرتاب تیر نیز آن‌گاه که تیر در حال فرود آمدن بود، ملکی به امر خدا آن را پرواز داد و به بلخ رسانید» (رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۲۴۰). در شعر شاعران دفاع مقدس تیرهایی که به سمت دشمن بعثی روانه می‌شد از جهت شدت اثرگذاری و به‌خاطر حفظ ارزش‌های میهن به تیر پرتابی آرش تشبیه شده است:

ناگهان فصل، فصلی دگر شد
ناگهان خشم و طوفان و آتش
بی‌امان تیرها پر کشیدند
از کمین‌گاه یاران آرش
(بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۵: ۸)

بنابراین، می‌توان گفت اسطوره آرش کمانگیر، اسطوره‌ای است در دفاع از مرزهای ایران و در مقابل دشمن خارجی. آرش برای دفاع از تمامیت ارضی سرزمینش، جان خود را در تیر پرتابی می‌گذارد و آن را پرواز می‌دهد. کارکرد این اسطوره در شعر جنگ، بیشتر نقش ایجاد انگیزه دارد و در این راه نیز شاعران از شیوه‌های تحریک انگیزه و احساس استفاده می‌کنند.

۳-۲. اهورامزدا

اهورامزدا نامی است که زرتشتیان به خدای خود داده‌اند. این نام در نزد زرتشتیان از جنبه تقدس و احترام برخوردار است و این تقدس به‌خاطر نیک و خیر بودن اهورامزداست. «اهوره مزدا مادر و پدر آفرینش و پدیدآورنده مسیر خورشید، ماه و ستارگان بوده و هست و خواهد بود؛ به سخن دیگر، جاودانه است، اما در این دوره قدیر یا قادر مطلق نیست؛ چرا که از جانب دشمن خویش یعنی اهریمن محدود می‌شود، اما زمانی فرامی‌رسد که شر، مغلوب و اهوره مزدا فرمانروایی قادر و مطلق خواهد بود.» (هینلز، ۱۳۸۳: ۱۲۹). شاید جنبه تقدس آمیز بودن اهورامزدا و اعتقاد عمیق باطنی زرتشتیان به او از آن‌جا ناشی می‌شود که مظهر خیر، نیکی و خردمندی است و انسان ذاتاً دوست‌دار خیر و نیکی و منفعت است. «اهوره مزدا هفت امشاسپند یا فرشته دارد که مَجری اوامر او هستند.» (زنجانی، ۱۳۷۲: ۵۵۹).

می‌توان در شعر جنگ و دفاع مقدس شهیدان راه حق را به اهورامزدا تشبیه کرد؛ از یک سو شباهت از جنبه تقدس است و از سوی دیگر شهیدان همان جلوه‌های نور، بخشش و مظهر خیررسانی، نیکی و غلبه بر شر هستند. «در روایات کهن زرتشتی گستره دوران تاریخ جهان دوازده هزارسال است؛ سه هزارسال آغازین، دوره آفرینش اصلی (اهریمن و اهورامزدا) است، دومین سه هزارسال به درخواست اورمزد سپری می‌گردد (آشتی اورمزد و اهریمن)، سومین سه هزارسال دوره مصاف خیر و شر و چهارمین سه هزاره، دوره‌ای است که اهریمن شکست می‌یابد.» (هینلز، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

بار دگر شد نور حق غالب به شمشیر

فجر نمایان دیو شب را کرد تسخیر (مردانی، ۱۳۷۶: ۷۴)

آوردگاه دفاع مقدس نیز صحنه مقابله و برخورد نیروهای اهریمنی با نیروهایی از جنس اهورامزدا بوده است. (صحنه تقابل خیر و شر) دلاورمردانی از جنس نور و خیر که در برابر اهریمن بیداد و ظلم، جان بر کف ایستادند و دشمن دیوسیرت را

با پنجه‌های اهورایی از خاک خویش بیرون رانند. «براساس اعتقادات ایرانیان، اهورامزدا بر فراز و در نور و انگره‌مینو در زیر و در ظلمت، فرمانروایی می‌کنند» (هینلز، ۱۳۸۳: ۱۷۴).

از نیک و بد زمانه غافل نشود

آید به نظر، حکایت ظلمت و نور (مردانی، ۱۳۷۵: ۱۳)

از این‌جا می‌توان دریافت که نیروهای رزمنده در هشت‌سال جنگ حق علیه باطل بر اوج قلّه‌های پیروزی و نور قرار دارند و در مقابل، دشمن دیوسیرت پلیدشان در قعر ظلمت و تاریکی و در آتشی از غرور کاذب و سرکش، به خاک و خون افتاده است. می‌توان گفت که هدف شاعران از آوردن نام اهورامزدا در شعر دفاع مقدّس نوعی نمایش تقابل خیر و شر (اهورامزدا و اهریمن) است. آن‌جا که صحبت از نیکی و خصلت‌های پاک انسانی در میان است شاعر با آوردن نام اهورامزدا به جبهه‌های جنگ گریز می‌زند و رزمندگان پاک‌سیرت را به اهورامزد تشبیه می‌کند و هر جا که پای شرّ و زشتی و دیوانه‌سری در میان می‌آید این شاعران آن را به دشمنان این مرز و خاک مانند می‌کنند.

۳-۱-۳. سیاوش

سیاوش در لغت به معنی دارنده اسب سیاه است. او عزیزترین پهلوان شاهنامه است که به دلیل پاکی سرشت، قربانی نبرد میان خیر و شر شد. «سیاوش در مفهوم اساطیری خود نماینده نابودی و رستاخیز است و بهار و خزان گیاه را در زندگی و مرگ خویش مجسم می‌کند و از این حیث شبیه می‌شود به تموز بابل و اوزیریس مصری و آدونس فنیقی و یونانی. این هر سه، پروردگار رویدنی و باروری هستند و افسانه آنها کنایه از تناوب زندگی و مرگ است.» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۹۸). سیاوش نماد پاکی و بی‌گناهی و رهانیده شدن از هر زشتی و ناپاکی است. اگر سیاوش، پاک و بی‌آلایش از میان آتش بیرون نمی‌آمد هرگز از جای پاک او گیاه نمی‌رُست؛ بنابراین، سیاوش به‌نوعی از جنبه تقدّس برخوردار است. «سیاوش نماد یا خدای نباتی است؛ زیرا با مرگ او از خون وی گیاهی روید. همچنین او خدای کشتزارها بوده است و نشان این امر، به درون آتش رفتن او است» (رستگارفسایی، ۱۳۷۹: ۵۷۷).

شاعران دفاع مقدّس از اسطوره‌ها برای توصیف شهدا، رزمندگان و میدان جنگ به زیبایی استفاده کرده‌اند. اسطوره سیاوش نیز به‌واسطه گذر از آتش، مرگ مظلومانه و جوشش خون، در شعر شاعران انعکاس یافته است. رزمندگان مانند سیاوش چون گردبادی تند در طوفان آتش می‌پیچیدند و بوی آتش سنگرشان، نشان از پاکی و روسپیدی آنها بود. خون پاک آنان این خاک را سرسبز و بهاری کرده، ولی اکنون مادران مانده‌اند و سووشون شب‌هایشان بر شانه‌های خلیج فارس.

ببرق عشق نکون باد که در ورطه هول

ریخت سودابه گل خون سیاوش نسیم (مردانی، ۱۳۷۰: ۳۱)

گذشته از اینکه «شعر جنگ و مقاومت»، در شعر انقلاب اسلامی، دارای فضایی حماسی است، یادکرد از کهن‌الگوهای پهلوانی، که در شاهنامه فردوسی نام‌هایی آشنا هستند، ابزار زبانی و تصویرسازی به شمار می‌روند و شاعران این دوره، دلاورمردان جبهه‌های نبرد را در طول جنگ تحمیلی به آنها تشبیه می‌کنند؛ برای مثال:

این کیست / کیست که می‌آید / آسوده از میانه آتش / ققنوس / یا سیاوش؟ (شعر جنگ، ۱۳۶۲: ۹۴)

آتش به پا کردند و تو مثل سیاوش

چون گردبادی تند پیچیدی در آتش (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۳۷)

در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مردم ایران بی‌گناه بودند و سرزمین ایران ناجوانمردانه مورد تجاوز قرار گرفته بود، در نتیجه مردم ایران جنگی ناخواسته را متحمل شدند. خون شهیدان نیز همچون خون سیاوش بی‌گناه ریخته شد، از این رو بسامد یاد کرد از سیاوش که در شاهنامه نماد بی‌گناهی است، قابل توجه است:

کاش بسوزم هزار سال در آتش

باز گشایم پر خیال در آتش

روی سیاوش سپید شد به دو عالم

تا که سمندهش فکند یال در آتش (شعر جنگ، ۱۳۶۲: ۸۷)

یا:

یادش به خیر آن سال‌های خون و آتش

آن روزهای قیس و فرهاد و سیاوش (علمداران، ۱۳۷۴: ۲۸)

انتقام‌جویی، یکی از جمله اقداماتی است که در هر اثر حماسی جلوه‌ای خاص به اشعار حماسی می‌بخشد. در شعر دفاع مقدس شاعر، بارها دشمن را از انتقامی سخت خبر می‌دهد. حسن انتقام‌جویی سبب تهییج مخاطب می‌شود؛ اگر سیاوشی بر زمین می‌افتاد، رستمی هست که به انتقام خون او برخیزد:

بای هوس چه کوید بر تربت شهیدان

خون خواه یک سیاوش، صد تهمتن بر آید (سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۰۳)

گروی زره آن‌گاه که به دستور افراسیاب سر از تن سیاوش جدا کرد، رستم به خون‌خواهی او به توران لشکر کشید و لشکر توران را درهم شکست. انتقام گرفتن از دشمن نه تنها مخاطب را به مقابله با دشمن استوارتر می‌کند، بلکه او را در این امر مصمم‌تر نیز می‌کند. چنین ایستادگی، پیروزی در برابر دشمن را در پی خواهد داشت. از این‌رو، شاعر چنین امیدوار می‌سراید:

سُرخ فریاد کاوه‌های زمان

گل سرود فتوح فرداهاست

خون ضحاک کینه می‌ریزند

مرگ در چشم اهرمن پیداست

دست در دست و شانه با شانه

کوه آهن به رزم با بیداد

در حضور سپیده می‌خوانیم

هم‌صدا خون چکامه‌های فریاد (دکانی، ۱۳۶۹: ۸۶).

بهره‌گیری از اسطوره‌های ملی از آن جهت که روح پایداری یک ملت در آن نهفته است، در مقابله با دشمن بسیار کارگشا خواهد بود. شاعران دفاع مقدس با علم بدین مطلب از قهرمانان سخن راندند و احساس پایداری را در مخاطب،

بیدار و او را به دفاع در برابر دشمن ترغیب کردند. حضور اسطوره‌ها در شعر این دوره موضوعی است که نمی‌توان مُنکر آن شد. از این رو، شاعران این دوره با بهره‌گیری از اسطوره‌ها میان اسطوره‌ها و قهرمانان پیوند ایجاد کردند. شاعر اگر دشمن را چون ضحاک و اشکبوس می‌داند و قهرمانان میهن خویش را رستم و کاوه، بدان خاطر است تا این مطلب را بیان کند که مردمان سرزمین او هرگز تن به ذلت نمی‌دهند و پیشینه تاریخی میهنش معرف این حقیقت است.

۲-۳. موجودات اسطوره‌ای

موجودات اساطیری در شعر پایداری دو نوع هستند:

۱-۲-۳. سیمرغ

سیمرغ نام مرغی است افسانه‌ای که گاهی با عنقا یکی تصوّر می‌شود. مرغی عظیم که در کوه قاف - که بنابر اعتقاد قدما، دور جهان را فرا گرفته است - آشیان دارد. سیمرغ در اسطوره‌های ایرانی، شاهنامه، منظومه‌های حماسی و منظومه‌های عرفانی راه یافته است و در هر یک از این موارد، بار معنایی خاص خود را با خود به همراه دارد. «سیمرغ در شاهنامه و اوستا و روایات پهلوی، موجودی خارق‌العاده و شگفت است. از هر طرف چهار بال دارد با رنگ‌های نیکو، منقارش چون منقار عقاب، کلفت و صورتش چون صورت آدمیان است، فیل را به آسانی در بُناید، از این رو به پادشاه مرغان شهرت یافته است. هزار و هفتصد سال عمر دارد و پس از سیصدسال تخم‌گذارد و در بیست و پنج سال بچه از تخم در آید. سیمرغ در شاهنامه پرورنده زال و یاری گر رستم است و جایگاهش در کوه البرز است ...» (یاحقی، ۱۳۶۹: ۲۶۷-۲۶۶). شخصیت تأویل‌پذیر و اسطوره‌ای سیمرغ، به آثار منظوم و منثور عرفانی نیز راه یافته و از طریق شخصیت‌های رمزی در عناصر فرهنگ اسلامی جذب شده است.

حمید سبزواری در بیت زیر، سیمرغ را نماد جان و روان‌های آزاد از بند تن و رها گشته از نفس، ذکر نموده است.

سر از مُردار تن بردار تا پرواز جان بینی

به بستی می‌کشاند استخوانی، طبع عنقا را (سبزواری، ۱۳۶۸: ۳۲۳)

این شاعر در یک مثنوی رمزی و سمبلیک با عنوان پاسخ عنقا، گفتگوی میان یک مرغ و عنقا را مطرح نموده است. این مثنوی، خطاب به خائنان و منافقانی است که به دشمن پناه برده بودند و به میهن خود خیانت می‌کردند. در این سروده از زبان ماکیان برخی از ویژگی‌های سیمرغ بیان شده است. ماکیان از سیمرغ می‌خواهد که به جمع دیگر مرغان پیوندد، اما سیمرغ، آن را برای خود باعث سرشکستگی و غفلت و به دور از بزرگ‌منشی قلمداد می‌کند. در پایان، شاعر به رمزگشایی شخصیت‌ها پرداخته است. در این شعر، قاف، سرزمین ایران، سیمرغ، نماد مردم آزاده ایران و ماکیان افرادی هستند که به دشمن پناه برده‌اند. ابیاتی از این مثنوی در ذیل بیان می‌شود.

کای تو را بر قاف عزّت آشیان
و آن سکوت بی‌کران دمساز تو
خود ز تنهایی چه حاصل دیده‌ای
میر مرغانی و با ما نیستی ...

داد پیغامی به عنقا، ماکیان
آسمان‌ها عرصه پرواز تو
رشته مهر از جهان بریده‌ای
با دگر مرغان هم‌آوا نیستی

و در بیت‌های پایانی آمده‌است:

پاسخ ما پاسخِ عنقا بود آن چه عنقا گفت آن ما بود
ما چو عنقاییم و ایران، قاف ما خانهٔ اعزاز ما اشراف ما
(همان: ۲۳۳-۲۲۷)

در این بیت‌ها، سیمای سیمرخ به سیمرخ عرفانی و به‌خصوص سیمرخ منطق الطیر عطار بسیار نزدیک و شبیه است. اقامت در قاف، زندگی در تهایی و بدون همتا، شاه مرغان بودن و عدم امکان رؤیت او توسط افراد، همه، ویژگی‌هایی است که در منطق الطیر دربارهٔ سیمرخ بیان شده است.

۳-۲-۲. ققنوس

یکی دیگر از پرندگان اسطوره‌ای که در شعر شاعران دفاع مقدس به آن اشاره شده، ققنوس است. نحوهٔ تولد و مرگ ققنوس و سیمای افسانه‌ای این پرنده، در ادب فارسی همواره مورد توجه بوده است؛ پرنده‌ای که هنگام مرگش تولید مثل می‌کند. ققنوس «مرغی است به‌غایت خوش‌رنگ و خوش‌آواز، منقار او سیصد و شصت سوراخ دارد و در کوه بلندی مقابل باد نشیند و صداهاى عجیب و غریب از منقار او برآید که به‌سبب آن مرغان بسیار جمع آیند. از آنها، چندی را گرفته و طعمهٔ خود سازد. گویند هزار سال عمر کند و چون هزارسال بگذرد و عمرش به آخر آید، هیزم بسیار جمع سازد و بر بالای آن نشیند و سرودن آغاز کند و مست گردد و بال بر هم زند، چنان که آتشی از بال او بجهد و در هیزم افتد و خود با هیزم بسوزد و از خاکسترش بیضه‌ای پدید آید و او را جفت نمی‌باشد و موسیقی را از آواز او دریافته‌اند.» (گوهرین، ۱۳۷۴: ۳۲۹) این پرنده، تصویری روشن از پایان‌ناپذیر بودن زندگی پس از مرگ را به انسان‌ها می‌دهد. ققنوس، نماد انسان‌هایی است که در راه رسیدن به اهداف خود و قرب الهی می‌سوزند و خاکستر می‌شوند اما مرگ، پایان زندگی‌شان نیست. در منطق الطیر عطار، ققنوس طرفه‌مرغی دل‌سیتان است که در هندوستان مأوا دارد. عطار این پرنده را این‌گونه توصیف کرده است:

هست ققنوس طرفه‌مرغی دل‌سیتان موضع آن مرغ در هندوستان
سخت منقاری بسی عجیب و دراز همچو نی در وی بسی سوراخ باز ...
(عطار، ۱۳۷۴: ۱۲۹۲۲۷)

نحوهٔ مرگ ققنوس در آتش، مضامینی را در شعر این شاعران آفریده‌است. حسین اسرافیلی در بیت ذیل، عشق و شور رزمندگان را به شهادت و مرگ، به شیوهٔ مرگ ققنوس تشبیه کرده؛ زیرا شهادت نیز تولدی دوباره و استمرار زندگی است. آن‌گونه که در آیات قرآن نیز ذکر شده است: «و لا تحسبن الذین قُتلوا فی سبیلِ اللهِ أمواتاً، بلْ أحياءٌ عند ربِّهم يُرزقون»؛ و کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندارید، بلکه اینان زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند (آل عمران: ۱۶۹).

که ققنوس را عمر چون سر شود

در آتش رود، شعله‌ورتر شود (اسرافیلی، ۱۳۷۶: ۵۷)

به آتش زند خویش را بی‌قرار

برون آید از شعله ققنوس وار (همان: ۱۱)

در بیت بالا، شاعر به داستان در آتش افکندن حضرت ابراهیم(ع) اشاره کرده و به درون آتش رفتن آن حضرت را به ققنوس و در آتش رفتن او تشبیه نموده است. در بیت زیر، شاعر رزمندگانی را که برای نبرد و مقابله با دشمن به قلب آتش و خون می‌رفتند و هراسی در دل نداشتند، به ققنوس تشبیه کرده است.

هم آنان که در کربلای چهار

در آتش نشستند ققنوس وار (اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۱۹۳)

رضا اسماعیلی در بیت زیر، عشق را چون آتش توصیف نموده است؛ عاشق حقیقی چون ققنوس، به آتش عشق، تن درمی‌دهد، تا از قفس تن رها شده، به عرش اعلی راه یابد.

من مرغ عشقم کاین چنین خود را به آتش می‌زنم

در شعله‌های عاشقی ققنوس آذر، پرّ من (اسماعیلی، ۱۳۸۱: ۴۲)

می‌توان گفت در شعر دفاع مقدّس، ققنوس نماد آتش‌نژادانی است که خود را بی‌قرار به آتش زدند و در راه رسیدن به معشوق حقیقی، ققنوس وار سوختند و خاکستر شدند اما مرگ، پایان راه این پرندگان عاشق نیست.

۴. نتیجه‌گیری

اسطوره‌ها در طول تاریخ تغییر می‌یابند تا بتوانند به نیازهای هویتی جامعه پاسخ دهند. بنابراین، انسان همیشه و متناسب با زمان خود به اسطوره‌سازی پرداخته است. شعر جنگ نیز بازتاب‌دهنده رویدادهای جنگ تحمیلی از نگاه هنرمندان شاعران است. آنها در اشعار خود، ویژگی آرمان‌گرایی را در خدمت شعر قرار داده و وقایع جنگ تحمیلی را با زبانی اسطوره‌ای و نمادین بیان می‌کنند. بنابراین، رویکرد اسطوره‌ای در شعر دفاع مقدّس، در ادبیات معاصر ما، جایگاهی ویژه دارد. این اشعار با استفاده از بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و بیان نمادین به بازآفرینی این اسطوره‌های ملی و دینی پرداخته و سعی دارند تا راز تداوم جامعه را در توجّه به این اسطوره‌ها تعریف نمایند. شعر دفاع مقدّس نه تنها در ثبت وقایع جنگ، بلکه در ایجاد روحیه مقاومت سهم به‌سزایی داشته است. شاعران دفاع مقدّس با تکیه بر مفاخر کهن و همچنین بهره‌گیری از نمادهای دینی، تمام تلاش خویش را بر آن نهادند که در دوران پُر آشوب جنگ، روحیه مقاومت و مبارزه را در مخاطب بیدار کنند و از آن‌جا که بهره‌گیری از اسطوره‌های ملی و دینی سبب بقای هر ملّتی می‌شود، شاعران دفاع مقدّس با علم به این مطلب، از اسطوره‌ها در حفظ هویت خود سود جستند و تا حدود زیادی در این امر موفق بودند. اسطوره‌ها و حماسه‌های ایرانی که بیشتر، متشکل از بزرگداشت ایران در مقابل دشمنان است - مانند اسطوره آرش کمانگیر - در شعر دفاع مقدّس به منبع مهم هویت‌سازی و تحکیم مبانی هویت ملی و هم چنین عامل وحدت ملی تبدیل شده‌اند. از این‌رو، یکی از مهمترین کارکردهای اسطوره در شعر دفاع مقدّس، ایجاد انگیزه برای مبارزه علیه سلطه بیگانگان بر کشور بود. این عامل هنوز هم پشتیبانی قدرتمند برای تهییج احساسات دفاعی مردم است. دست‌مایه شاعران در کنار اسطوره‌ها و الگوهای پهلوانی و قهرمانی موجود در باورهای مذهبی مردم ایران، کهن‌الگوهای پهلوانی و عناصر فرهنگ باستان ایران را نیز دربردارد؛ که شاعران این دوره، با الهام از شاهنامه فردوسی، آنها را در اشعار دوره جنگ تحمیلی در دوره معاصر ایران به کار برده‌اند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. اخلاقی، زکریا. (۱۳۷۲). *تبسم‌های شرقی*. قم: محراب اندیشه.
۳. اسرافیلی، حسین. (۱۳۷۶). *عبور از صاعقه*. تهران: تکا.
۴. _____ (۱۳۷۸). *گزیده ادبیات معاصر*. تهران: کتاب نیستان.
۵. _____ (۱۳۸۶). *رد پای صدا*. تهران: تکا.
۶. اسماعیلی، رضا. (۱۳۸۱). *آسمانی‌ها*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۱). *آینه‌های ناگهان*. چاپ چهارم. تهران: افق.
۸. _____ (۱۳۸۹). *گل‌ها همه آفتاب‌گرداندند*. تهران: مروارید.
۹. _____ (۱۳۶۲). *مجموعه شعر جنگ*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۱۰. بهبهانی، سیمین. (۱۳۸۲). *مجموعه اشعار*. تهران: نگاه.
۱۱. بیگی حبیب‌آبادی، پرویز. (۱۳۸۵). *حماسه‌های همیشه*. سه جلد. تهران: فرهنگ گستر و صریر.
۱۲. حسینی، سیدحسن. (۱۳۸۱). *برگزیده شعر جنگ و دفاع مقدس*. تهران: سوره مهر.
۱۳. داکانی، پرویز. (۱۳۶۹). *لحظه‌های سبز*. تهران: برگ.
۱۴. داوودی مقدم، فریده و غلامرضا جهانگیری. (۱۳۹۶). *تحلیل اساطیر حماسی شاهنامه در ادبیات پایداری معاصر*. نخستین همایش ادبیات مقاومت با محوریت شهدای دانشجو استان خراسان شمالی. بجنورد: دانشگاه کوثر خراسان شمالی.
۱۵. رستگارفسائی، منصور. (۱۳۷۹). *فرهنگ نام‌های شاهنامه*. جلد اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. _____ (۱۳۸۳). *پیکرگردانی در اساطیر*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۷. ریاحی، محمدامین. (۱۳۷۵). *فردوسی*. تهران: طرح نو.
۱۸. زنجانی، محمود. (۱۳۷۲). *فرهنگ جامع شاهنامه*. تهران: انتشارات عطایی.

۱۹. سبزواری، حمید. (۱۳۶۸). *دیوان اشعار حمید سبزواری*. تهران: کیهان.
۲۰. سنگری، محمّد رضا. (۱۳۸۹). *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدّس*. سه جلد. تهران: پالیزان.
۲۱. شالیان، ژرار. (۱۳۷۷). *گنجینه حماسه‌های جهان*. ترجمه و توضیح علی اصغر سعیدی. تهران: چشمه.
۲۲. صفایی تبار، حامد. (۱۳۸۴). «تحلیل ساختاری اشعار حماسی اسطوره‌ای با نگاهی با ایلید»، *روزنامه شرق*. سال دوم. شماره ۴۷۴.
۲۳. صنعتی، محمّد حسین. (۱۳۸۹). *آشنایی با ادبیات دفاع مقدّس*. تهران: صریر.
۲۴. عطّار، فریدالدین. (۱۳۷۴). *منطق الطیر*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۵. علمداران. (۱۳۷۴). *مجموعه اشعار*. تبریز: ستاد برگزاری بزرگداشت سرداران شهید آذربایجان.
۲۶. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۹۶۶م). *شاهنامه*، ج ۱. تحت نظر ای. ا. برتلس. مسکو: دانش شعبه ادبیات خاور.
۲۷. گوهرین، صادق. (۱۳۷۴). *شرح منطق الطیر عطّار*. تهران: علمی و فرهنگی.
۲۸. لک، منوچهر. (۱۳۸۴) الف. «هویت ملی در شعر دفاع مقدّس». *فصلنامه مطالعات ملی*. سال ششم. شماره ۲۲.
۲۹. _____ (۱۳۸۴) ب. «ایران زمین در شعر فارسی». *فصلنامه مطالعات ملی*. سال ششم. شماره ۲۲.
۳۰. مردانی، محمّد علی. (۱۳۷۶). *گزیده ادبیات فارسی (مجموعه شعر)*. تهران: کتاب نیستان.
۳۱. _____ (۱۳۷۵). *در معبر نور*. تهران: پیام آزادی.
۳۲. مردانی، نصرالله. (۱۳۷۰) الف. *آتش نی*. تهران: اطلاعات.
۳۳. _____ (۱۳۷۰) ب. *خون‌نامه خاک*. تهران: کیهان.
۳۴. _____ (۱۳۷۴). *مجموعه شهیدان شاعر*. تهران: معاونت فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
۳۵. واحد دوست، مهوش. (۱۳۹۲). «بازنمایی عناصر اساطیری - حماسی همبستگی ملی در شعر دفاع مقدّس». *فصلنامه مطالعات ملی*. سال چهاردهم. شماره ۲. صص ۷۲-۴۹.
۳۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۶۲). *شعر جنگ*. تهران: اداره تبلیغات و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

۳۷. هینلز، جان راسل. (۱۳۸۳). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.

۳۸. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۶۹). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*. تهران: سروش.

۳۹. _____ (۱۳۸۶). *جویبار لحظه‌ها*. تهران: جامی.